

چالش های خانواده و جمعیت در سال های آتی ایران

تهیه : توحید جلیلی کهنه شهری

کارشناس فن آوری و پردازش اطلاعات اداره ثبت احوال سلماس

مقدمه :

یکی از دغدغه های دولت ها، بخصوص از قرن بیستم، بحث کنترل جمعیت بوده است. این موضوع همچنان به عنوان یک مسأله مهم ذهن دولت ها را به خود مشغول داشته است. از یک جهت ملت هایی که با افزایش بی رویه جمعیت روبرو هستند و ظرفیت و امکانات کشور هایشان توان تحمل چنین جمعیتی را ندارد، از سوی دیگر کشور هایی هستند که با کنترل شدید جمعیت اکنون به موقعیتی رسیده اند که از نظر نیروی انسانی شدیداً دچار مشکل شده اند و معلوم نیست در آینده چه سرنوشتی پیدا کنند. در دهه ی 60 با رشد بی رویه جمعیت را شاهد بودیم و در دهه ی 70 کنترل جمعیت و در دهه 80 کاهش شدید آن. بر اساس سرشماری انجام گرفته در سال 1390 این کاهش نگران کننده است و اگر به درستی برای آن چاره ای اندیشیده نشود در آینده دچار انواع بحران ها و آسیب ها خواهیم شد. متن ابلاغیه رهبر انقلاب به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

باعنایت به اهمیت متوله جمعیت در اقتدار ملی؛ و با توجه به پویانگی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به عنوان یک فرصت و امتیاز؛ و در جهت جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ

باروری در سال های گذشته، سیاست های کلی جمعیت ابلاغ می گردد. با در نظر داشتن نقش ایجابی عامل جمعیت در پیشرفت کشور، لازم است برنامه ریزی های جامع برای رشد

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست های جمعیتی انجام گیرد. همچنین ضروری است با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دستگاه های ذیربط در این زمینه، اقدامات لازم با

دقت، سرعت و قوت صورت گیرد و نتایج رصد مستمر اجرای سیاست ها گزارش شود. سید علی خامنه ای

خانواده در دهه‌های اخیر با تحولات و تغییرات گوناگونی مواجه بوده است. برای مثال، احساس می‌شود در فضای مناسبات و زندگی خانوادگی در خانواده‌های گذشته، روابط خویشاوندی و ارتباطات بیشتر و گرم‌تر بود و مردم امروزه، با حالتی نوستالژیک از دوران قدیم یاد می‌کنند. امروزه، به نحو آشکاری متوجه می‌شویم الگوی «خانواده قدیمی»، دگرگون شده و ما وارد مرحله دیگری از تاریخ خانواده شده‌ایم و «خانواده جدید» متولد شده است. پرداختن به مدل خانواده، تغییرات بواقع موضوع اصلی صحبت ماست. اما همانطور که شما بحث را با توضیح اهمیت توجه به این تحولات شروع کردید اجازه دهید من هم با بیان چرایی و ضرورت توجه بیشتر به این موضوع سخنم را پی بگیرم. تغییرات خانواده از خانواده قدیم به خانواده جدید به دلایل متعدد برای همه اهمیت دارد.

حساسیت‌هایی که نسبت به خانواده وجود دارد، افراد را نسبت به تحولات خانواده حساس می‌سازد. دگرگونی در خانواده موجب تحول در «مسیر زندگی» و «تجربه زیستی» تک‌تک انسان‌ها شده است. تحول خانواده به معنای تحول در سرنوشت همه افراد است. علاوه بر این، تحولات خانواده از یک طرف، ریشه در متحول شدن بنیان‌ها و نهادهای جامعه مانند دین، علم، فناوری، هنر، جهان‌بینی، سیاست و اقتصاد دارد و از طرفی دیگر، پیامدهای تحول خانواده، دامن‌گیر تمامی ارکان جامعه، اقتصاد، فرهنگ و سیاست می‌شود. بنابراین نه تنها زندگی فردی مردم بلکه سرنوشت جمعی ما نیز به تحول خانواده گره خورده است.

چالش‌های جمعیتی آینده و مخاطرات پیش رو از جمله افزایش سالمندی در کشور و نگرانی‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی در حوزه‌های اقتصادی، روانشناسی، تربیتی، سیاسی و امنیتی از مهمترین مسائلی است که باید مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد.

در پیش‌بینی‌های سازمان ملل از جمعیت ایران آمده است: نتایج پیش‌بینی‌های اخیر سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ میلادی در مورد تحولات حجم جمعیت ایران تا یکصد سال آینده نشان می‌دهد که در صورت تحقق سناریوی حد پایین، جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۷۳ میلیون نفر با شاخص‌سالموردگی ۲۸٫۵ در سال ۱۴۴۵ به حدود ۶۱ میلیون نفر با شاخص‌سالموردگی ۴۷٫۵ درصد و تا سال ۱۴۸۰ به حدود ۳۱ میلیون نفر با شاخص‌سالموردگی ۴۷٫۴ درصد کاهش خواهد یافت. همچنین در صورت تحقق الگوی رشد متوسط جمعیت ایران تا سال ۱۴۴۵ به حدود ۷۹ میلیون نفر با شاخص‌سالموردگی ۳۶٫۹ درصد، سپس تا سال ۱۴۸۰ به ۶۲ میلیون نفر با شاخص‌سالموردگی ۴۷٫۵ درصد کاهش خواهد یافت.

نکته دیگر آگاهی ما نسبت به تحولات خانواده است که باعث توجه بیشتر به این تحولات می‌گردد. خودآگاهی روز افزون ما در زمینه زندگی اجتماعی و فرهنگی انسان امروز نسبت به گذشته باعث می‌شود تا به تغییرات خانواده در گستره بیشتری توجه کنیم و به نحو عینی‌تر و عریان‌تری این تغییر و تحولات را درک کنیم. انسان امروز هوشیار است و نسبت به وضعیت خود منتقدانه می‌اندیشد. یعنی تحولات جامعه و فرهنگ، دیگر

بصورت تدریجی و ناخودآگاه در مرور زمان صورت نمی‌گیرند بلکه این تغییرات بسیار سریع و شتابان و در عین در جلو چشمان بینای انسان امروز انجام می‌شوند. مسئله دگرگونی در خانواده صرفاً مسئله ای دانشگاهی نیست که فقط جامعه‌شناسان یا روان‌شناسان و یا متخصصان مسائل زنان درباره آن صحبت کنند، بلکه مسئله‌ای است که در بحث‌های تلویزیونی، میزگردها، سریال‌ها و یا حتی در گفتگوهای مردم عادی مورد توجه قرار می‌گیرد. بحث دگرگونی خانواده امروزه به مثابه موضوعی مهم، در گفتمان دانشگاهی، رسانه‌ای و در گفتمان مردم عادی کانون توجه است... تحول عظیم اجتماعی در ایران چالشی به مراتب بزرگتر از بحران رابطه با آمریکا است. کوچک‌شدن خانواده‌ها، افزایش میزان طلاق، کاهش ازدواج و ورود زنان به بازار کار چهره جامعه را برای همیشه تغییر خواهد داد. همه آمارهایی که این روزها منتشر می‌شوند، حکایت از تحول عظیم اجتماعی دارند. جامعه‌شناسان می‌گویند تغییراتی که امروز جامعه ایران شاهد آن است، برای همیشه چهره ایران را تغییر خواهد داد. تغییراتی که چندان هم خوشایند یک جامعه اسلامی نیست.

در ایران در دوران‌های طولانی، شکلی از خانواده گسترده وجود داشت که بر اساس شرایع اسلامی و سنت‌های ایرانی شکل گرفته بود. خانواده‌ای که مذهب و سنت و شیوه تولید اقتصادی جوامع کشاورزی مبانی آن را تشکیل می‌داد. این خانواده بر اساس «پدرتباری» و «پدرمکانی» و «اولویت جنس مذکر» استوار بود و سازمان مرتبی داشت که زیر نظر پدر اداره می‌شد. خانواده واحد تولید و مصرف بود و این امر نه تنها در روستاها، بلکه در شهرها نیز که مراکز مهم صنایع دستی بودند به چشم می‌خورد. منزلت اجتماعی زن ناچیز بود و به فرزند آوردن و انجام کارهای خانگی محدود می‌شد. فرزندان نام و نشان از پدر می‌بردند و سرای خانوادگی نسل‌های متعدد را در خود جای می‌داد و پاسدار سنت‌ها بود. مقررات ازدواج و طلاق و ارث و نگهداری از فرزند بر اساس فقه اسلامی استوار بود و روابط افراد خانواده بر سلسله مراتبی مبتنی بود که همه قبول داشتند.

خانواده ایرانی در دوره اسلامی ناشناخته است و اگر هم در کتاب‌هایی یادی از آن شده است، آن را بر اساس الگوی خانواده اسلامی وصف کرده‌اند؛ در حالی که اگر جنبه‌های حقوقی آن را کنار بگذاریم، در این دوره هم خانواده ایرانی سیمایی خاص داشته است که آن را از خانواده در سایر ملل اسلامی ممتاز می‌داشته است. برخورد با تمدن صنعتی غرب و نتایج آن که عبارت است از تغییرات ساخت اقتصادی جامعه، رواج شهرنشینی و دخالت دولت، در چند دهه اخیر موجب تغییرات عمده در این شکل از خانواده و خصوصاً خانواده شهری شده است.

از زمانی که رهبر انقلاب بحث غلط بودن سیاست‌های کنترل جمعیت در سال‌های گذشته را مطرح کردند، رسانه‌های بیگانه به عناوین مختلف سعی دارند این سیاست‌ها را غیرکارشناسی جلوه دهند. اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه کسانی از کاهش جمعیت در ایران احساس رضایت دارند؟

خانواده‌های ایرانی دیگر به بزرگی گذشته نیستند. خانواده‌های تشکیل شده از حیث تعداد اعضا دچار تغییر و تحول بنیادی شده‌اند. حرکت خانوار ایرانی از ۵ و ۶ نفره در دهه ۶۰ و اوایل هفتاد به سوی ۲ و ۳ در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ نشان از تعریف جدید ایرانیان از خانواده دارد. دست‌خط مشکلات اقتصادی، زندگی شهری و میزان تحصیلات در این تعریف بوضوح دیده می‌شود.

در گذشته خانواده‌های روستایی به حیث نیاز به نیروی کار بزرگتر از خانواده‌های شهری بودند. در سال‌های گذشته خانواده‌های روستایی نه تنها کوچک شده‌اند، بلکه به قول محسن رضایی، روستاها به خانه سالمندان تبدیل شده‌اند. بسیاری از روستاییان جوان به‌خصوص در مناطق مرکزی ایران به شهرها مهاجرت کرده‌اند

در بسیاری از مناطق روستایی به‌خصوص روستاهای نزدیک به شهرها، مردان و زنان برای یافتن کارهای فصلی راهی شهر می‌شوند و کودکان نزد پدر و مادر بزرگ می‌مانند. چنین وضعیتی در کنار مشکلات عاطفی، گسست‌های خانوادگی را نیز به همراه دارد.

دگرگونی خانواده‌ی ایرانی در قرن اخیر آرام و کند اما مستمر و قاطع بوده است. زمانی دراز شکلی از خانواده در این سرزمین وجود داشت که جامعه‌شناسان آن را به اصطلاح کلی «خانواده‌ی گسترده» وصف کرده‌اند. خانواده‌ی ای بود بر اساس شرایع اسلامی و سنت‌های ایرانی. مذهب، سنت و شیوه‌ی تولید اقتصادی جوامع کشاورزی مبانی آن را تشکیل می‌داد. این خانواده بر اساس «پدرتباری»، «پدرمکانی» و «اولویت جنس مذکر» استوار بود و سازمان مرتبی داشت که زیر نظر پدر اداره می‌شد. خانواده واحد تولید و مصرف بود. منزلت اجتماعی زن ناچیز بود و به فرزند آوردن و انجام کارهای خانگی و گاهی کشاورزی و نساجی محدود می‌شد. فرزندان نام و نشان از پدر می‌بردند و سرای خانوادگی نسل‌های مختلف را در خود جای می‌داد و پاسدار سنت‌ها بود. مقررات ازدواج و طلاق و ارث و نگهداری فرزندان بر اساس فقه اسلامی استوار بود و روابط افراد خانواده بر سلسله‌مراتبی مبتنی بود که همه قبول داشتند.

در بسیاری از جوامع غربی به دلیل رشد پایین جمعیت این نگرانی به وجود آمده است که با سالمندی جمعیت این جوامع و رشد پایین جمعیت به زودی این کشورها باید تبدیل به واردکننده جمعیت متخصص از سایر نقاط دنیا به کشورهای خود شوند. این امر موجب نگرانی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای این کشورهاست. علت این نگرانی مشخص است. نیروی متخصص خارجی به دلایل مختلف نمی‌تواند نقطه اتکالی

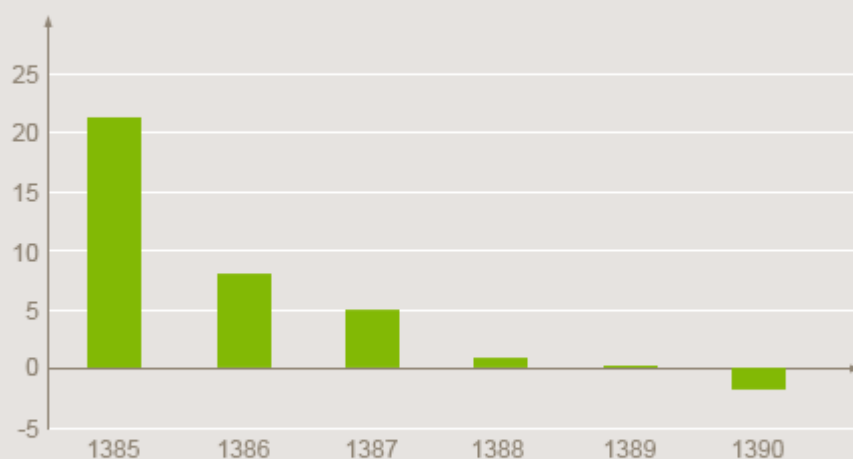
خوبی برای توسعه اقتصادی و رقابت در دنیای پیچیده آینده باشد و بنابراین می‌تواند به نزول قدرت و جایگاه اقتصادی این کشور منجر شود. از این رو می‌کوشند تا با ایجاد مشوق‌هایی جمعیت بومی خود را به باروری بیشتر ترغیب کنند. این کشورها از نظر تامین نیازهای آموزش و پرورش با کیفیت مطلوب، آموزش‌های تخصصی و عالی، تامین خدمات سلامتی و بهداشتی مناسب، دسترسی به مسکن مکفی، ظرفیت‌های اشتغال برای کار شایسته مشکلی ندارند. نگرانی آنها تنها کمبود نیروی انسانی بومی برای تامین نیازهای آینده این جوامع است. جمعیت ایران با توجه به وضعیت این دسته از کشورها هنوز جمعیت جوانی است که جای برای نگرانی از سالمندی جمعیت حداقل تا دهه‌های آتی باقی نمی‌گذارد. نمودارهای شماره 1 و 2، ترکیب جمعیتی ایران را به ترتیب در سال‌های 1375 و 1385 نشان می‌دهد. جمعیت متولد دهه نخست انقلاب امروز سهم عمده‌ای از جمعیت 15 الی 64 سال جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دهد.

برخورد با تمدن صنعتی غرب و نتایج آن که عبارت از تغییرات ساخت اقتصادی جامعه، رواج شهرنشینی، و دخالت دولت باشد، موجب تغییرات عمده در این شکل از خانواده و خصوصاً شکل شهری آن شده است.

نفوذ تمدن غرب که گاهی صورت تقلید بدون قید و شرط به خود می‌گیرد بیش از همه در روابط زن و مرد و پدران و فرزندان به چشم می‌خورد. و زن به عنوان همدم و همکار مرد پذیرفته شده است

سالمندی فرایندی طبیعی در زندگی انسان و حاصل فرسایش تدریجی ارگان‌های حیاتی است. عوامل فردی مانند جنس، سن و نژاد، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در زمان و میزان آن مؤثرند. هزینه‌های آن در ابعاد مختلف بر جامعه انکارناپذیر است. شیوه‌های زندگی فردی، روابط اجتماعی، توانمندی‌های اقتصادی و فرهنگی تفاوت‌هایی را ایجاد می‌کند. در حالی که کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی، به منابع مالی، جهت تأمین نیازهای سالمندان دسترسی دارند، با این حال، از این پدیده در جایگاه یک پدیده به عنوان یک "بن بست"، "بار اقتصادی بی‌سابقه" و "مسأله‌ای فراگیر" که مستلزم رویکردی جدید است، یاد کرده‌اند.

نمودار رشد ازدواج

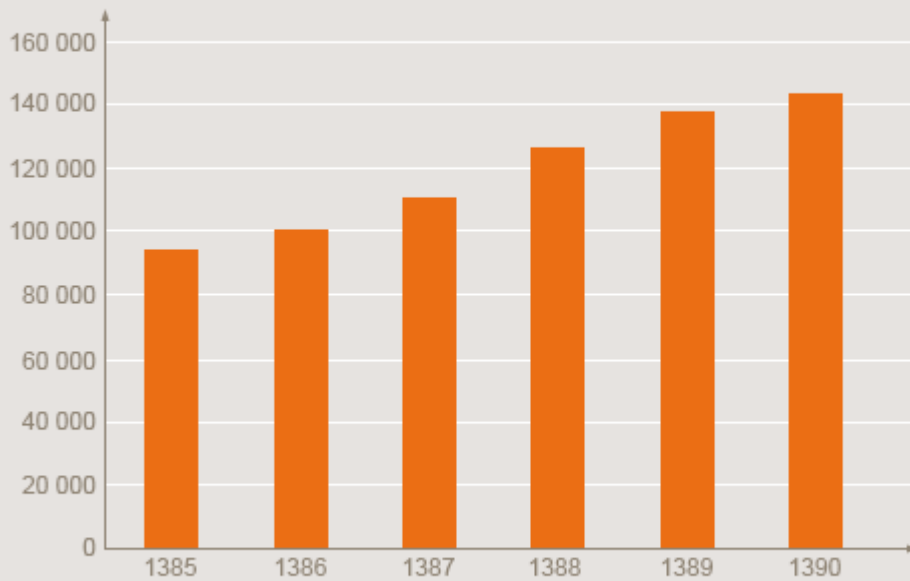


© DW منبع: alef.ir

روند کاهش ازدواج در حالی که از سال ۱۳۹۰ برای نخستین بار رشد منفی نشان داد در سال ۹۱ نیز ادامه یافت. ازدواج در سال ۹۱ به میزان منفی ۱ / ۵ درصد رسید که این نسبت در نقاط روستایی ۹ / ۵ درصد بوده است. و در سال ۹۲ نیز همچنان منفی بود.

مشکلات اقتصادی بویژه بیکاری شدید در میان جوانان و تغییرات ارزشی و هویتی جوانان باعث بالارفتن سن ازدواج به بعد از ۲۵ سالگی شده است. به گفته مدیر کل دفتر اطلاعات و آمار جمعیتی سازمان ثبت احوال سهم ازدواج‌های بالای ۳۵ سال برای مردان و بالای ۳۰ سال برای زنان در محدوده زمانی سال‌های ۸۴ تا ۹۱ دوبرابر شده است.

ساختارهای سنتی ازدواج مثل هزینه‌های سرسام‌آور جشن‌های عروسی و عقد، مهریه‌های کلان، جهیزیه سنگین، دخالت فعال خانواده‌ها در همسریابی، عمده شدن مولفه‌های مادی و اقتصادی در کنار مشکلات اقتصادی همچون عدم کفایت درآمد برای تشکیل خانواده، بیکاری و هزینه سنگین مسکن و افزون بر آن خدمت سربازی که بر سن ازدواج پسران می‌افزاید باعث شده تا ساختارهای سنتی با مشکل بازتولید روبرو شوند.



در طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ در مجموع ۸۶۸ هزار و ۳۱۲ زوج در ایران از هم جدا شدند. میزان طلاق در سال ۹۱ نسبت به سال قبل ۶ درصد افزایش یافت و در سال ۹۲ نیز ۵/۵ درصد بود.

نتایج بررسی که سال ۹۰ بر روی هزار پرونده طلاق صورت گرفت حاکی است فقر مهارت‌های ارتباطی، عدم تناسب خصوصیات شخصیتی دختر و پسر، اختلالات بالینی، مشکلات اقتصادی، مشکلات جنسی، رفتارهای پرخطر مانند اعتیاد و دخالت‌های والدین از عوامل طلاق هستند.

یک نوع خانواده مبتنی بر نوعی طلاق نیز در دهه گذشته رشد زیادی داشته است. طلاق عاطفی به این معنا که زن و شوهر عملاً از هم جدا هستند و هیچ رابطه‌ی عاطفی ندارند، اما به دلایل اجتماعی، اقتصادی و یا خانوادگی مثل حمایت از فرزندان با هم زندگی می‌کنند.

نظام ارزشی زنان ایرانی علیرغم همه محدودیت‌ها در سال‌های گذشته تغییر کرده است. افزایش چشمگیر زنان تحصیل کرده نگاه آنان به شیوه زندگی سنتی را تغییر داده است. آنان دیگر حاضر نیستند علیرغم تحصیلات عالی به کنج خانه رانده شوند.

حضور زنان در بازار کار و کسب درآمد باعث استقلال مالی زنان بسیاری شده است. جامعه‌شناسان می‌گویند استقلال مالی زنان بر نقش و جایگاه آنان در درون نهاد خانواده تاثیر به‌سزایی دارد. از سوی دیگر استقلال مالی دختران شاغل حتی در روند انتخاب و یا عدم انتخاب همسر در سنین بین ۲۵ تا ۳۰ سال نیز دخیل است.

افزایش ازدواج دختران با پسران کم سن و سال‌تر از خود تحولی جدید است. در ۷ / ۱۰ درصد ازدواج‌هایی که در سال ۹۱ در ایران ثبت شده، سن زن بیشتر از مرد است. جالب اینکه این تحول در روستاها نیز دیده می‌شود و حتی درصد آن از شهرها کمی بالاتر است. از کل ازدواج‌هایی که در نقاط روستایی صورت گرفته ۱۱ درصد از کل آمار را این ازدواج‌ها تشکیل می‌دهند.

اکنون انتظارات زوجین در خانواده ایرانی از یکدیگر در حال دگرگونی است. گسترش بی‌بازگشت و هر چه بیشتر اشتغال زنان این دگرگونی را باز هم بیشتر خواهد کرد. تغییر نوع روابط مرد و زن که به کاهش قدرت مرد در رابطه با زن انجامیده، فرهنگ مردسالار و باورهای سنتی و دینی را بحرانی کرده است.

خانواده‌ی امروزی هرچند بی‌فرزندی را نمی‌پسندد از تعدد فرزندان نیز گریزان است. و بیشتر به کیفیت زندگی و رفاه و مجهز شدن به ملزومات زندگی امروزی می‌اندیشد هر چند خود این امر خانواده‌ها را با مشکلات جدیدی مواجه کرده و بنوعی آرامش را از خانواده می‌گیرد. از آن جمله مسابقه خانواده‌ها برای مجهز شدن به وسایل مدرن و تجملی در سایه‌ی چشم و هم چشمی است.

بی‌هیچ تردیدی پیامد قطعی کنترل شدید و مستمر مولید، تغییر ساختار جمعیت از جوانی به سالخوردگی است. این تغییر از همان زمان که باروری شروع به کاهش می‌کند، آغاز می‌شود و به تدریج پیش می‌رود. در حال حاضر برخی از استان‌های کشور در مرحله آغازین ورود به سالخوردگی جمعیت هستند که با رسیدن سهم افراد 60 سال به بالای آنها به 8 درصد کل جمعیت مصداق می‌یابد. این نسبت‌ها در آینده افزایش محسوس خواهد داشت و در یک دوره 40ساله نزدیک به 20 درصد جمعیت را در این مرحله قرار خواهند داد. پیامدهای سالخوردگی بسیار سنگین است و تنها گروه سالمندان را در بر نمی‌گیرد، بلکه اثرات سنگین‌تری را بر نظام درمانی، اشتغال و سیاست‌های تامین اجتماعی برجای می‌گذارد. این مساله تا به آن حد اهمیت دارد که باید بدون فوت وقت به آن پرداخته شود. در مورد این سوال که آیا سیاست‌های کنترل جمعیتی فعلی را مناسب می‌دانم یا نه، به نظر بنده کشور ما در حال حاضر سیاست کنترل جمعیتی مشخصی ندارد. باید سیاست جامعی تدوین شود و ابعاد گوناگونی را مد نظر قرار دهد. بنده در نوشته دیگری که اخیراً در ماهنامه اقتصاد ایران انتشار یافته است ابعاد مختلف این سیاست را عنوان کرده‌ام که بخشی از آنها را عیناً در اینجا نقل می‌کنم: آنچه باید مورد توجه قرار گیرد تلاش برای حفظ وضع موجود و اعمال سیاست‌های منطقه‌ای برای جلوگیری از کاهش سریع باروری در تعدادی از استان‌ها و تعدیل آن در یکی دو استان دارای باروری بالاست تا نوعی هماهنگی متناسب با امکانات و برنامه‌ها در افزایش جمعیت نواحی مختلف و در بین اقوام گوناگون ساکن در کشور پیش آید و در کنار آن سیاست‌های فعال‌تری در زمینه‌های دیگر جمعیت از جمله شناخت آثار و پیامدهای بسیار مهم تغییر الگوی مرگ و میر، بازتوزیع اندیشیده شده جمعیت، پویایی سیاست‌های مهاجرتی به مقتضای نیاز نواحی مختلف به مهاجرفرستی یا مهاجرپذیری، اندیشیدن به نهاد خانواده و استحکام آن و اتخاذ سیاست‌های جامع و

پویای حمایت‌های اجتماعی درمانی، زیست‌محیطی و جنسیتی با استفاده مطلوب از همه توان‌ها و امکانات کشور در جهت توسعه و بالندگی اتخاذ شود.

به گزارش روابط عمومی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، با طرح این پرسش که آیا زمان تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی فراهم شده است یا خیر، اظهار داشت: در بند «ج» قانون برنامه نخست توسعه (تصویر کلان برنامه) که مربوط به خطوط کلی سیاست تجدید مولید کشور است، آمده است «بر مبنای بررسی‌هایی که عمل آمده اعمال سیاست تعدیل مولید از 6/4 مولود زنده (بقای حدود 6/5 فرزند) به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال 1365) به 4 نوزاد در سال 1390 و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از 3/2 درصد به 2/3 درصد در همین مدت با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت، ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه امکان‌پذیر خواهد بود.» که باید نسبت به اصلاح آن اقدام جدی و سریع صورت پذیرد. در حال حاضر تمرکز دستگاه‌های مربوطه باید به روی آگاهی رسانی از تاخیر در فرزندآوری و سن ازدواج و آموزش‌های بیش از ازدواج و حین ازدواج باشد تا بدین وسیله ایجاد یک خانواده پایدار و در عین حال زمینه اصلاح پدیده "عدم علاقه به فرزندآوری و تک فرزندی" فراهم آید.

تعالی رسانی جمعیت از اولویت‌های اساسی امروز کشور و در دستور کار دستگاه‌های مهم و بزرگ نظام است، اگر رویه کنونی به حال خود رها شود مطمئناً در یکی دو دهه آینده کشور با رشد معکوس جمعیت روبرو خواهد شد که در آن نسبت جوانان که می‌توانند که پویایی و سرزندگی را به کشور بیاورند بسیار کمتر از میزان مورد نیاز خواهد بود. نیروی انسانی پویا و با کیفیت از مولفه‌های اقتدار و پیشرفت هر جامعه‌ای در آینده به شمار می‌رود، در صورت تداوم روند کنونی و میل خانوارها به تک فرزندی مطمئناً کشور در دهه‌های آینده با محدودیت‌هایی در بعد نیروی انسانی مواجه می‌شود که این امر با توجه به اینکه ایران کشوری مهاجرپذیر نیست می‌تواند مشکلاتی را رقم بزند.

خلاصه‌ای از این سیاست‌های تشویقی افزایش جمعیت در کشورهای فرانسه، آلمان، کانادا و انگلیس و ژاپن که تقریباً از چهار دهه قبل آغاز شده و ادامه دارد، بشرح ذیل اشاره میشود:

فرانسه:

دولت فرانسه 83 میلیارد یورو، یعنی حدود پنج درصد تولید ناخالص ملی کشور را صرف حمایت از فرزندآوری می‌کند. این میزان هزینه به نوبه خود بالاترین رقم در سطح اروپاست.

زنان فرانسوی، 16 هفته مرخصی زایمان دارند که از شش هفته پیش از تولد کودکانشان آغاز می‌شود. پس از

این دوره، والدین حق سه سال مرخصی بدون حقوق دارند. جالب این است که سیستم فرانسه، داشتن فرزند بیشتر را با افزایش قابل ملاحظه مزایا برای فرزند سوم به بعد تشویق می‌کند.

آلمان:

((نگلا مرکل)) صدر اعظم آلمان چند سال قبل که میانگین تعداد بچه‌های خانواده این کشور 1/3 بچه تخمین زده شد، حقوق قابل ملاحظه‌ای را برای مادرانی که خود مراقبت از فرزندشان را در منزل بر عهده می‌گیرند پیشنهاد نمود.

نکته اینجاست که برخلاف این قانون مترقی، هم اکنون در کشور ما ساخت «مهدهای کودک» در تقابل با امکان دهی به مادران برای نگاه داری از فرزندان در دستور کار دولت قرار گرفته است! یعنی رونویسی از نسخه‌های آزموده و مردود شده دوران مدرنیته کماکان با سرعت حتی در شکل توسعه «روستا مهدها» ادامه دارد!

بر اساس گزارش یورونیوز «کریستیا شرودر» وزیر امور خانواده آلمان، به دنبال ارائه طرحی است که به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها اجازه می‌دهد که برای نگاه داری از نوه‌هایشان مرخصی بدون حقوق بگیرند. از دیگر اقدامات دولت آلمان، کمک مالی به پدران و مادران شاغلی است که به دلیل تولد فرزند، برای مدتی دستمزد دریافت نکردند. همچنین دولت تضمین می‌نماید که هر یک از والدین بعد از مرخصی تا چهارده ماه، به شغل قبلی خود باز گردند.

یکی دیگر از مشوق‌های آلمان برای افزایش نسل، تصویب قانون برای کمک به مهاجرانی است که چندین سال در این کشور زندگی کرده و فرزندان‌شان تا 17 سالگی در کشور آلمان تحصیل نموده‌اند. به گونه‌ای که دولت این کشور موظف به پرداخت کمک هزینه تحصیل به این افراد می‌باشد و در سنین کودکی نیز با سبدهای حمایتی به این افراد کمک مالی می‌کند.

کانادا:

جمعیت کانادا در مقایسه با 50 سال گذشته دو برابر شده است. جمعیت این کشور در سال 2012 به سی و سه میلیون نفر رسید که در فاصله ی سال‌های 2006 تا 2011، پنج میلیون و نهصد هزار نفر افزایش داشته است. مهاجرت اولین عامل رشد جمعیت کانادا است.

با این وجود از سال 2000، با حمایت دولت کانادا شاهد افزایش چشمگیر مرخصی زایمان از 10 هفته به 35 هفته بود. این مرخصی می‌تواند با توافق پدر و مادر بین آنها تقسیم شود. این برنامه برای این است که زوج‌ها بدون نگرانی از قطع حقوق یا احتمال از دست دادن شغل‌شان بتوانند به بچه‌دار شدن فکر کنند. در ایالات کبک کانادا افرادی که صاحب فرزند سوم می‌شوند، از هدایای بالایی برخوردار می‌شوند. این هدایا

برای فرزند اول 500 دلار، فرزند دوم 1000 دلار و برای فرزند سوم یکباره 7500 دلار افزایش پیدا می‌کند. این موارد نمونه‌هایی از سیاست‌های تشویقی دولت برای حمایت از فرزند آوری خانواده‌های کانادایی است که البته تنها شامل تشویق‌های مالی نبوده، بلکه شامل تسهیلات آموزشی و رفاهی کودکان نیز می‌شود.

انگلیس:

دولت انگلیس به عنوان مزیت و تشویقی برای بچه دار شدن تلاش کرده است که حقوقی را به صورت هفتگی برای پدر و مادرها در نظر بگیرد. این حقوق از سال 2010، برای بچه اول به صورت هفتگی به خانواده‌ها پرداخت می‌شود و دولت به ازای هر فرزند جدید حدود 60 درصد به مبلغ اضافه می‌نماید.

روسیه:

در روسیه به مادری که صاحب فرزند می‌شود کمک هزینه فرزند به صورت هدیه تعلق می‌گیرد. سال 2008 میلادی از سوی پوتین به عنوان «سال خانواده» نام گرفت و تمام دستگاه‌های دولتی موظف شدند برنامه‌های تشویقی خود را برای افزایش جمعیت و جلوگیری از بحران کاهش جمعیت ارائه کنند.

بنابر ابلاغ دولت روسیه، خانواده‌هایی که دارای فرزند می‌شوند از پرداخت مالیات تا سقف تعیین شده معاف شده و بسته‌های حمایتی ویژه تربیت و رشد فرزندان از جمله سبد کالای و همچنین مشوق‌های نقدی نیز دریافت می‌کنند. حتی در جراید عنوان شده است که دولت روسیه پس از تولد فرزند سوم «مسکن خانواده» را تامین خواهد کرد.

ژاپن:

بر اساس قانون «کودموتیت» که در سال 2010 به وسیله حزب دموکراتیک کشور ژاپن تصویب شد، خانواده‌هایی که فرزند تا سن 15 سال دارند، ماهیانه تا 13000 ین کمک مالی دریافت می‌کنند. از سوی دیگر پدر یا مادر هر یک می‌توانند در صورت اخذ مرخصی با دریافت نصف حقوق خود، برای نگهداری کودک در منزل بمانند و پس از پایان سقف مرخصی به شغل قبلی خود بازگردند. در برنامه ژاپن نیز به جای حمایت از تربیت فرزندان در «مهدکودک»، مشوق‌ها در جهت تقویت نگاه داری از کودک در منزل و توسط والدین، تصویب شده است.

راهکارها و تشویق‌های زیر می‌تواند به اجرای این طرح در کشور ایران کمک شایانی کند که در لیست مشوق‌های ارائه شده در مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی قابل مشاهده است:

- ۱- برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی در تسهیل ازدواج، کاهش سن ازدواج و استحکام خانواده
- ۲- پوشش بیمه اجباری درمان رایگان مادر و کودک از ابتدای بارداری تا پایان دوسالگی کودک
- ۳- اختصاص بسته بهداشتی- درمانی رایگان شامل مکمل‌های غذایی، دارو، آزمایش‌های دوره‌ای و

موردی

۴ - معاینه‌های ماهانه مادران باردار و دارای فرزند زیر 2 سال برای حداقل 3 دهک درآمدی پایین و نیازمندان

۵ - پوشش کامل بیمه‌ای برای درمان ناباروری‌های اولیه و ثانویه

۶ - افزایش مدت مرخصی استعلاجی زایمان به 9 ماه و مرخصی بدون حقوق به 21 ماه و جمعاً به مدت 30 ماه به ازای هر فرزند و در مجموع 10 سال به صورت شناور با حفظ شغل برای کلیه شاغلان بخش دولتی و غیردولتی

۷ - پرداخت هدیه تولد فرزند به مادر به صورت سکه بهار آزادی

۸ - افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان مادر به ازای هر فرزند تا 4 و نیمسال و کاهش سقف واحدهای درسی در هر نیمسال تا سقف 8 واحد

۹ - پرداخت پاداش اولاد به صورت ماهانه و به صورت پلکانی

۱۰ - دوبرابر شدن حق عائلهمندی

۱۱ - حق بازنشستگی مادران شاغل صاحب 3 فرزند با یک سال افزایش سنوات

۱۲ - کاهش مدت خدمت سربازی متناسب با سن ازدواج و تعداد فرزندان و افزایش حقوق و

تسهیلات آنها با رعایت ضوابط و مقررات

وثوقی، منصور: مبانی جامعه‌شناسی (1) رشته علوم اجتماعی انتشارات دانشگاه پیام نور

مظاهری، علی اکبر: خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام

کتاب «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه» پدیدآورنده: آیت الله محمد علی مدرس

کتاب «جمعیت ایران، افزایش یا کاهش» پدیدآورنده: شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

کتاب «ایران، جوان بمان» پدید آورنده: محسن عباسی ولدی، انتشارات جامعه الزهرا سلام الله علیها

سایت سازمان ثبت احوال کشور

نشریه ثبت و ابسته به سازمان ثبت احوال کشور

پایگاه تحلیلی و خبری خانواده و زنان

روزنامه کیهان تاریخ سوم خرداد ماه سال نود و سه

دو فصلنامه نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران شهریور 92